

Scientific Paper

Examining the Impact of Demographic Characteristics on the Political Participation of Rural Youth: A Case Study of Eastern Guilan, Iran

M.S. Babapour Vajari¹, R. Esfanjari Kenari², A. Jansiz³

Received: 2025/06/13

Accepted: 2025/10/12

Introduction: Enhancing the political participation of youth is a key indicator of human and social development at the national level. Rural communities play a significant role in shaping a country's political and social structures. When provided with appropriate educational opportunities and civic awareness, rural youth can actively contribute to national development and democratic governance. The present study aimed to examine the impact of demographic characteristics on the political participation of rural youth in eastern Guilan Province, Iran.

Materials and Methods: This research is applied in purpose and quantitative in method. The statistical population consisted of rural youth aged 18–35 living in eastern Guilan in 2023. Based on Morgan's table, 241 individuals were selected through simple random sampling. Data were collected using a researcher-designed questionnaire containing 14 items. The reliability of the questionnaire was confirmed with a Cronbach's alpha coefficient of 0.83, indicating good internal consistency.

Results and Discussion: Findings from the analysis of variance (ANOVA) revealed that higher education levels, student status, occupation type, parental

1. MA in Rural Development, Faculty of Agricultural Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran.

2. Corresponding Author and Assistant Professor, Faculty of Agricultural Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran (rezasfk@gmail.com).

3. Associate Professor, Faculty of Political Science and International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran.

education, and maternal employment were positively related to political participation. Socioeconomic status also showed a positive relationship with political engagement. Among all variables, individual education level, occupation, and maternal education had the strongest association with political participation among rural youth.

Conclusions: The results suggest that organizing informal meetings with rural youth elites in local councils, strengthening regional media programs emphasizing the role of rural youth, and supporting economic and political empowerment initiatives for rural families can effectively promote the political participation of rural youth.

Keywords: *Political Development, Political Sociology, Rural Youth, Demographic Characteristics, Political Participation*

JEL Classification: D72, I20, J13, J62, D63, R23

اقتصاد کشاورزی و روستایی

سال ۳، شماره ۶، بهار ۱۴۰۴

مقاله علمی

بررسی تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر مشارکت سیاسی جوانان روستایی (مورد مطالعه: جوانان روستایی شرق استان گیلان)

محمدصابر باباپور واجاری^۱، رضا اسفنجاری کناری^۲، احمد جانسیز^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

چکیده

ارتقای مشارکت سیاسی جوانان به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی در سطح ملی مورد تأکید می‌باشد. جوامع روستایی یکی از نیروهای اجتماعی تأثیرگذار در نظام سیاسی و اجتماعی کشور هستند و جوانان روستایی با آموزش مناسب می‌توانند به سیاست‌های توسعه کشور کمک کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر مشارکت سیاسی جوانان روستایی شرق استان گیلان انجام شد که از نظر هدف، کاربردی و از حیث روش تحقیق، کمی است. جامعه آماری شامل جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله ساکن روستاهای شرق استان گیلان در سال ۱۴۰۲ بود که بر اساس جدول مورگان، ۲۴۱ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته با ۱۴ گویه بود که پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ تأیید شد. نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین سطح تحصیلات فرد، دانشجو بودن، نوع شغل، تحصیلات پدر و مادر و شغل مادر با مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، سطح

۱ - کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۲ - نویسنده مسئول، استادیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

(rezasfk@gmail.com)

۳ - دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

DOI: 10.30490/etr.2025.367455.1059

تحصیلات، شغل فرد و تحصیلات مادر بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت سیاسی جوانان روستایی داشتند. با توجه به نتایج مطالعه برگزاری نشست‌های غیررسمی با جوانان نخبه روستایی در دهداری‌ها و شوراها، تقویت رسانه‌های استانی از طریق تولید برنامه‌هایی با تأکید بر نقش جوانان روستایی، و حمایت از برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی-سیاسی خانواده‌های روستایی برای افزایش مشارکت سیاسی جوانان پیشنهاد شد.

کلید واژه‌ها: توسعه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، جوان روستایی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مشارکت سیاسی.

طبقه‌بندی JEL: R23, D63, J62, J13, I20, D72

مقدمه

توسعه به معنی کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، افزایش صنعتی‌شدن، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری است (Azkia, 2014). توسعه سیاسی در کلی‌ترین تعریف، فرایندی است که طی آن ظرفیت ساختارها و نهادهای سیاسی، همچنین پویایی نیروها و روابط سیاسی یک کشور در جهت ساماندهی امور عمومی (داخلی و خارجی) افزایش می‌یابد (Delavary, 2017). مشارکت از شاخص‌های مهم توسعه پایدار روستایی و مشارکت سیاسی به عنوان معیاری در توسعه‌ی سیاسی جوامع است. نواحی روستایی با درصد چشمگیری از جمعیت می‌تواند زمینه‌ساز تحقق این مهم در سطح ملی نیز باشد (Norouzi, 2024). مشارکت سیاسی به عنوان یکی از سنجه‌های توسعه سیاسی در جهان، هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیم در علوم سیاسی و اجتماعی به شمار می‌آید (Khoshfar et al., 2019). همچنین مشارکت سیاسی نگرش و رفتاری را در بر می‌گیرد که به طور کلی به منظور تأثیرگذاری، حفظ یا تغییر تصمیمات مقامات داخل نظام سیاسی است (Anouar, 2014). لستر میلبراث^۱ سلسله مراتبی از مشارکت را مطرح کرده است که از عدم درگیری تا گرفتن مقام رسمی دولتی تغییر می‌کند و پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی رای‌دادن در انتخابات است (Rush, 2012). رای‌دادن تنها یک جزء از مجموعه بسیار گسترده‌تر گونه‌های مشارکت سیاسی است اما در عین حال، رای‌دادن اساسی‌ترین اقدام دموکراتیک است که شهروندان باید به صورت منظم و مستمر به آن مبادرت ورزند (Niazi et al., 2019). اگر رای‌دادن یک جزء بسیار کوچک از مجموعه بسیار گونه‌های مشارکت سیاسی تلقی شود، باید دقت داشت که این فعالیت، اساسی‌ترین اقدام دموکراتیکی است که شهروندان بایستی به صورت منظم و مستمر به آن

1. Lester Milbrath

مبادرت ورزند (Hashmi, 2006). مشارکت سیاسی^۱ به معنای شرکت کردن در سیاست یا سطح عمومی مشارکت در یک جامعه و میزان فعال بودن مردم به عنوان یک کل در سیاست است؛ یا به زبان ریاضی، تعداد مردم فعال ضرب در مقدار عمل آن‌ها (McLean, 2008). مک کلاوسکی سطوح مشارکت سیاسی را به شرح ذیل بر شمرده است: ۱. رای‌دادن؛ ۲. کسب اطلاعات سیاسی؛ ۳. بحث در مورد موضوعات و مسائل سیاسی؛ ۴. شرکت در جلسات و محافل سیاسی؛ ۵. کمک مالی به فعالیت‌های سیاسی؛ ۶. گفت‌وگو و مذاکره با نمایندگان؛ ۷. عضویت در احزاب سیاسی؛ ۸. شرکت در ثبت‌نام افراد و تبلیغ برای احزاب سیاسی؛ ۹. نگارش مقالات و ارائه سخنرانی‌های سیاسی؛ ۱۰. شرکت در رقابت‌ها و مبارزه‌های سیاسی؛ ۱۱. رقابت به منظور انتخاب شدن برای پست‌های سیاسی حزبی.

مشارکت سیاسی به لحاظ کیفی و کمی، تحت تأثیر عوامل متعددی چون پایگاه اجتماعی و اقتصادی، سن، جنس، نژاد، قومیت، ساختار سیاسی، مذهب و ارزش‌های فرهنگی، تحصیلات، شغل، محل سکونت، شخصیت و ویژگی‌های روحی و روانی افراد است (Niazi et al, 2019). مشارکت سیاسی یکی از مباحث مهم در جامعه‌شناسی سیاسی است و از طرفی یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی در کشورها به شمار می‌رود. توسعه‌ی سیاسی خود یکی از ابعاد توسعه‌ی همه‌جانبه است (Vosoughy & Hashemi, 2004). دموکراسی و مشارکت سیاسی مبتنی بر اراده مردم است و جامعه مدنی به این وسیله محقق می‌شود (Ahmadi, 2011). مشارکت سیاسی هم نتیجه وجود آزادی و توسعه‌ی سیاسی در جامعه و هم عامل استقرار و حفظ بقای آن است (Bashiriyeh, 2009). از نظر تاریخی در ایران صرف نظر از بعد سیاسی، مشارکت در امور مختلف در شهرها و روستاها کم و بیش وجود داشته است. برای مثال در جوامع روستایی از رسم بیل‌زنی دسته‌جمعی و کمک در دروکردن گندم، تامین امنیت محصول، سنت چرخ‌ریسان، بنه و مراسم مذهبی می‌توان نام برد. در چند دهه‌ی اخیر موضوع مشارکت سیاسی در روستاها به دلیل پدیدآمدن گروه‌های جدید روستایی که دارای تحصیلات بالاتر و برخوردار از وسایل ارتباط جمعی و امکانات اقتصادی بیشتری هستند (Vosoghy & Hashemi, 2004). یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در توسعه سکونتگاه‌های روستایی، تمایل گسترده به مشارکت مستمر روستاییان در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (Shams-aldini et al., 2013). برای رسیدن به توسعه روستایی باید تبعیض‌ها و نابرابری‌های نژادی، فرهنگی، جنسیتی، قومی، دینی و نظایر آن ریشه‌کن شود (Sadeghloo et al., 2020). توسعه پایدار سیاسی روستاها به عنوان یکی از ابعاد کلیدی توسعه روستایی، نیازمند مشارکت فعال و آگاهانه مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، حکمرانی و برنامه‌های توسعه‌ای است. مشارکت مردمی نه تنها موجب افزایش مشروعیت

تصمیمات سیاسی در روستاها می‌شود، بلکه زمینه‌ساز ارتقای سرمایه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری شهروندان و بهبود عملکرد نهادهای محلی خواهد شد (Sari, 2024). مشارکت جوامع روستایی در سرنوشت خویش از اصول حکمروایی روستایی است که می‌تواند مستقیم با نهادها یا نمایندگان قانونی آنها صورت گیرد (Azimi Amoli & Rokneddin Eftekhari, 2014).

ایران یکی از کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود که برای رسیدن به توسعه‌ی سیاسی باید زمینه‌های مشارکت سیاسی شهروندان خود به‌ویژه جوامع روستایی را بیش از پیش بهبود بخشد و موانع پیش‌روی آن‌ها را رفع کند زیرا جمعیت کثیری از این مرز و بوم را روستاییان تشکیل می‌دهند؛ از این رو، جوامع روستایی یکی از نیروهای اجتماعی تاثیرگذار در نظام سیاسی و اجتماعی کشور هستند و چگونگی مشارکت سیاسی آنها در توسعه‌ی کشور مهم و اثرگذار است (Heydari sareban, 2018). طبق جدول ۱، مدارک و شواهد فراوان و گسترده‌ای وجود دارد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح بر طبق پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه و محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی یا زمینه‌ای که در آن مشارکت صورت می‌گیرد فرق می‌کند (Rush, 2012). با توجه به اهداف مندرج در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۴، ارتقای مشارکت سیاسی جوانان به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی در سطح ملی مورد تأکید قرار گرفته است (Islamic Republic of Iran Vision 1404, 2003). همچنین، برنامه توسعه استان گیلان در سال ۱۴۰۲ بر توانمندسازی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوانان روستایی تمرکز دارد و ایجاد فرصت‌های مشارکتی را برای آنان ضروری می‌داند (Gilan Governorate, 2023). در این راستا، مطالعه حاضر با هدف شناسایی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان روستایی، اهمیت و ضرورت خود را از منظر سیاست‌ها و اهداف کلان ملی و استانی نشان می‌دهد و می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های عملیاتی به‌منظور تقویت حضور سیاسی این گروه فراهم کند.

جدول ۱- ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی و مشارکت سیاسی

میزان مشارکت کمتر	میزان مشارکت بیشتر
تحصیلات کمتر، به ویژه فقط تحصیلات متوسطه یا ابتدایی	تحصیلات بیشتر، به ویژه آموزش عالی
طبقه کارگر یا طبقه پایین	طبقه متوسط
زنان	مردان
جوان‌تر و مسن	مسن‌تر، به ویژه میانسال
مجرد	متاهل
ساکنان روستایی	ساکنان شهری
اقامت کوتاه‌تر	اقامت طولانی‌تر
مشارکت اجتماعی کمتر یا عضویت گروه هم‌سبک	مشارکت اجتماعی و عضویت گروه‌ها یا سازمان‌ها
غیر سفیدپوست	سفید پوست
اقلیت قومی	اکثریت قومی

ماخذ: (Rush, 2012)

با توجه به اهمیت مشارکت فعال و آگاهانه مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، حکمرانی و برنامه‌های توسعه‌ای، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی مورد توجه محققان بوده و مطالعاتی در این زمینه انجام شده است. تحقیق ادوال و همکاران (Adewale et al, 2025) حاکی از این بود که زنان در جوامع روستایی، صرف نظر از تعصبات موجود علیه آن‌ها، به طور فعال در سیاست حزبی مشارکت دارند. همچنین نتایج نشان داد بین سن، جنسیت و وضعیت تاهل با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. لی و نگوین (Le & Nguyen, 2021) به این نتیجه رسیدند که آموزش باعث تقویت علاقه به سیاست و ارتقای کسب دانش سیاسی می‌شود. با این حال، افراد تحصیل کرده بیش از دیگران در انتخابات رای نمی‌دهند و همچنین احتمال بیشتری برای اتخاذ موضعی خاص در طیف سیاسی چپ-راست ندارند. لیپست (lipset, 2020) به این نتیجه رسید که الگوی مشارکت سیاسی در کشورهای مختلف یکسان است. مردان بیشتر از زنان؛ بیشتر آموزش دیده‌ها بیش از کم‌تر آموزش دیده‌ها، شهرنشینان بیشتر از روستاییان، میانسالان بیشتر از جوانان و پیران، متاهلان بیش از مجردان، افراد دارای منزلت بالا و اعضای سازمان‌ها بیشتر در سیاست مشارکت می‌کنند. رامدهان (Ramdhan, 2016) به این نتیجه رسید که میزان مشارکت سیاسی جوامع روستایی در انتخابات بنا به دلایل زیر پایین است: آگاهی سیاسی کم، کیفیت پایین منابع انسانی ناشی از نابرابری در آموزش، سطح پایین آموزش سیاسی، شرایط اقتصادی ناپایدار، نرخ بالای اشتغال موقت به دلیل فرصت‌های شغلی محدود، شرایط نامساعد اجتماعی و سیاسی و رفتار ذهنی جامعه که نسبت به سیاست‌های توسعه‌ای بی تفاوت است، حمایت رهبران سیاسی یا غیررسمی، امکانات و زیرساخت‌های موجود در رویدادهای سیاسی، آموزش سیاسی و علاقه به جنبه‌های خاص سیاسی اختر و شیخ (Akhter & Sheikh, 2014) نشان دادند رفتار یک رأی‌دهنده تحت تأثیر عوامل متعددی مانند مذهب، طبقه، جامعه، زبان، پول، خطامشی یا ایدئولوژی، هدف رأی‌گیری، میزان حق رای و مواردی از این قبیل است که احزاب و گروه‌های سیاسی از این متغیرها برای پیروزی در نبرد صندوق رأی بهره می‌برند. نتایج تحقیق برادول (Broadwell, 2006). با عنوان «مشارکت سیاسی» حاکی از آن بود که دلسردی از نتایج انتخابات، نظام تک‌حزبی، تردید در اثرگذاری نتیجه انتخابات، عدم رقابت، سکونتگاه، سن، درآمد، میزان تحصیلات، قومیت و نژاد، دین، منافع‌های شخصی، نیازهای روان‌شناختی و هدف‌های شخصی از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رفتار انتخاباتی به حساب می‌آیند.

نوروزی (Norouzi, 2024) در پژوهش خود دریافت بررسی همبستگی بین شرکت در انتخابات (رای دادن) و ویژگی فردی نمونه (جنسیت، سن، تاهل، تحصیلات و ...) نشان‌دهنده‌ی عدم رابطه‌ی

معنادار بین متغیرهاست. در واقع، تفاوت‌های فردی نتوانست میزان شرکت در انتخابات را تحت تاثیر قرار دهد. در تحقیق تعجیبی و همکاران (Taajobi et al., 2024) نتایج نشان داد تحصیلات تاثیر چندانی در میزان مشارکت سیاسی جوانان ندارد و بین میزان تحصیلات جوانان، تحصیلات پدر و مادر با مشارکت سیاسی نمونه رابطه معناداری دیده نشد. همچنین بین مشارکت سیاسی جوانان و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد؛ اما بین مشارکت سیاسی جوانان و میزان استفاده آن‌ها از رسانه‌های ارتباط جمعی و میزان استفاده از تلویزیون و روزنامه‌ها رابطه‌ی مثبت وجود دارد و با میزان استفاده از ماهواره و اینترنت، رابطه‌ی منفی وجود دارد. همچنین بین وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و وضعیت اقتصادی نمونه‌ی مورد مطالعه (جوانان) با مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد قادرزاده و همکاران (Ghaderzade et al., 2022) نیز در پژوهش خود دریافتند که میان جنسیت با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود ندارد اما میان درآمد با مشارکت سیاسی رابطه آماری معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج تحقیق جعفری کلاریجانی و همکاران (Jafari Kalarijani et al., 2020) مشخص شد که بین متغیرهای مستقل اثربخشی سیاسی، جامعه پذیری سیاسی و باورهای دینی و مذهبی با متغیر وابسته مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری دارند. عباسی و هاشمی (Abbasi & Hashemi, 2019) بدین نتیجه رسیدند که بین متغیرهای سطح تحصیلات پدر، اعتقاد به رسیدن به هدف، موقعیت‌های مقتضی مشارکت و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. قلاوندی (Ghalavandi, 2017) نشان داد مشارکت سیاسی جوانان در این شهرستان تحت تاثیر فرهنگ قبیله‌ای است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که معیار قوم و قبیله‌ای برای جوانان اندیمشکی اهمیت آنچنانی ندارد و لیکن فرهنگ قبیله‌ای رأی این جوانان را کاملاً تحت تاثیر قرار داده است. همچنین عوامل انگیزشی مانند علاقه به سیاست، احساس اثربخشی سیاسی و احساس وظیفه ملی و مدنی دانستن شرکت در انتخابات نیز از عوامل تاثیر گذار بر رأی جوانان این جامعه می‌باشد. علمی (Elmi, 2016) به این نتیجه رسید که میزان مشارکت سیاسی دانشجویان پسر و دختر متفاوت است و پسران مشارکت بالایی نسبت به دختران دارند بر اساس نتیجه تحقیق نگین‌تاجی و کشاورز (Negintaji & Keshavarz, 2016) بین رسانه‌های جمعی، تعهد مذهبی، اعتماد اجتماعی، سیاسی بودن دوستان و سیاسی بودن خانواده با مشارکت سیاسی جوانان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین مشارکت سیاسی جوانان برحسب جنسیت و تحصیلات تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و بین مشارکت سیاسی جوانان برحسب وضعیت تاهل و محل سکونت تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بدین ترتیب که جوانان متأهل بیشتر از جوانان مجرد و جوانان ساکن شهر بیشتر از جوانان ساکن روستا

به مشارکت سیاسی می‌پردازند. سخامهر و صداقتی‌فرد (Sakhamehr & Sedaghatifard) به این نتیجه رسیدند که بین میزان آگاهی سیاسی افراد با میزان تحصیلات آن‌ها رابطه وجود دارد. قاسمی و معالی (Ghasemi & maali, 2015) به بررسی عوامل محدودماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی از دیدگاه زنان پرداختند. نتایج نشان داد عوامل فرهنگی و چگونگی جامعه‌پذیری زنان دلیل این امر می‌باشد. بر اساس نتایج تحقیق جهانگیری و محمدی (Jahangiri & Mohammadi, 2014). میزان مشارکت سیاسی جوانان و میانسال متوسط بوده و انتخابات بیش از سایر جلوه‌های مشارکت سیاسی در میان آن‌ها عمومیت داشته و تفاوتی بین مشارکت سیاسی آن‌ها به دست نیامده است. همچنین مردان جوان بیشتر از زنان جوان و مردان میانسال بیشتر از زنان میانسال به مشارکت سیاسی می‌پردازند. بین مشارکت سیاسی جوانان برحسب تحصیلات رابطه معنی‌داری به دست نیامد. بین سیاسی‌بودن خانواده، سیاسی‌بودن دوستان، تعهد مذهبی، اعتماد اجتماعی و استفاده از رسانه‌های گروهی با مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان نیز رابطه معنی‌دار و مثبتی به دست آمده است.

با توجه به پیشینه تحقیق، پژوهشی که همزمان رابطه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شخص مشارکت‌کننده (از جمله جنسیت، سن، سطح تحصیلات، محل تولد، محل اخذ دیپلم، دانشجو بودن و شغل) و عوامل مرتبط با خانواده همانند تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، شغل مادر، درآمد خانواده و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با مشارکت سیاسی را بررسی کرده باشد وجود نداشت. همچنین اکثر پژوهش‌های انجام‌شده جامعه شهری و یا دانشجویان را در بر می‌گرفت در حالی که در تحقیق حاضر علاوه بر گستردگی متغیرهای پژوهش، با توجه به نقش جوانان روستایی در توسعه سیاسی کشور، جامعه هدف را جوانان روستایی تشکیل می‌دهد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، کمی است. برای رسیدن به اهداف از روش توصیفی-تحلیلی و پرسشنامه محقق ساخته بهره گرفته شد. جامعه آماری تحقیق حاضر را جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله ساکن روستاهای شهرستان‌های شرق استان گیلان تشکیل می‌دادند. شهرستان‌های شرق گیلان شامل آستانه اشرفیه، املش، سیاهکل، رودسر، لنگرود و لاهیجان است. طبق اطلاعات بدست آمده از اداره کل امور روستایی استانداری گیلان، جمعیت جوانان روستایی ساکن این شهرستان‌ها ۶۰۰ نفر برآورد شد که طبق جدول مورگان، تعداد مناسب نمونه برای این جمعیت، ۲۳۴ نفر است. با این حال، در پژوهش حاضر، جهت اطمینان، ۳۰۰ پرسشنامه توزیع شد. بدین ترتیب که جهت انتخاب نمونه آماری، از هر شهرستان، یک بخش به صورت تصادفی ساده انتخاب شد. در مرحله بعد از هر

بخش، یک دهستان (مجموعه‌ای از چند روستا) به صورت تصادفی ساده انتخاب گردید. با توجه به تعداد زیاد روستاهای گیلان و همچنین دوری و در برخی موارد صعب‌العبور بودن مسیر روستاها، به منظور تسریع در دسترسی به نمونه‌های آماری و جمع‌آوری پرسشنامه و همین‌طور کاهش هزینه، تصمیم گرفته شد تا توزیع پرسشنامه در سطح دهستان (مجموعه‌ای از چند روستا) صورت گیرد. بدین منظور پرسشنامه‌های مورد نظر در اختیار دهداری‌ها قرار گرفت تا در بین ۵۰ نفر از مراجعین ۱۸ تا ۳۵ ساله روستاهای تحت پوشش آن دهستان توزیع گردد. بعد از جمع‌آوری ۳۰۰ پرسشنامه، ۵۹ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن حذف شدند. بدین ترتیب ۲۴۱ پرسشنامه، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. در این پژوهش، ابزار جمع‌آوری داده‌ها، دو پرسشنامه محقق‌ساخته بود. اولین پرسشنامه به منظور سنجش مشارکت سیاسی مورد استفاده واقع شد که بر اساس تقسیم‌بندی انواع مشارکت سیاسی (با اندکی تغییر و متناسب‌سازی) که تتوچاریس و فان‌دت (Theocharis & Deth, 2018) انجام دادند ساخته شد و موارد زیر مورد سؤال قرار گرفت: «شرکت در انتخابات ریاست جمهوری»، «شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی»، «شرکت در انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا»، «شرکت در انتخابات نمایندگان مجلس»، «شرکت در راهپیمایی»، «شرکت در جلسات و سخنرانی‌های سیاسی»، «شرکت در ستادهای انتخاباتی»، «شرکت در احزاب و تشکل‌های سیاسی»، «کوشش برای اقناع دیگران در ارتباط با مسأله‌ی سیاسی که خود به آن اعتقاد دارند»، «ارتباط با مقامات یا مسئولین سیاسی»، «پیگیری یا پذیرش مناصب سیاسی»، «تشویق دیگران به شرکت در انتخابات و رأی‌دادن به فردی خاص»، «بحث سیاسی در دیدارهای فامیلی و جمع دوستان»، «جستجو و پیگیری اخبار سیاسی»، «سرزنش دیگران به خاطر شرکت در انتخابات»، «نوشتن نامه اعتراضی به مسئولین»، «شرکت در راهپیمایی‌های اعتراضی». این گویه‌ها نیز به صورت بله یا خیر مطرح شد. از مجموع نمرات هر پاسخگو به این گویه‌ها نمره‌ی فرد در مشارکت سیاسی به دست آمد. با جمع نمرات هر فرد شاخص کلی مشارکت سیاسی به دست آمد.

پرسشنامه محقق‌ساخته دوم بر اساس یافته‌های حاصل از سندکاوی تهیه شد. از بررسی اسناد، پرسشنامه‌ای در یک مقیاس شش گزینه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم، اصلاً) با ۲۳ گزاره طراحی شد که به همراه اطلاعات جمعیت‌شناختی، پرسشنامه اولیه را تشکیل می‌داد. روایی عاملی پرسشنامه‌ها از نظر اعتبار محتوایی، به تأیید متخصصان رسید. روایی محتوایی به روش کیفی با تمرکز بر گروه متخصصین و گروه هدف، بررسی شد. بدین ترتیب که از سه نفر از اساتید گروه اقتصاد کشاورزی و علوم سیاسی دانشگاه گیلان و پنج نفر از جوانان تحصیل کرده روستایی خواسته شد تا نظرات و

پیشنهادات مورد نظرشان را از نظر مفهوم و محتوای گویه‌ها، ترتیب گویه‌ها، رعایت دستور زبان فارسی، داشتن تناسب با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی گروه هدف و ساختار کلی ابزار در مورد تک‌تک گویه‌ها بیان نمایند. همچنین برای اندازه‌گیری روایی صوری پرسشنامه به منظور بررسی کلمه‌ها و جمله‌بندی در حوزه دانش سیاسی، از نظر اساتید گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان استفاده شد، در نتیجه نقایص ساختاری پرسشنامه، شناسایی و اصلاحات لازم، جهت برآورده ساختن روایی صوری صورت پذیرفت. بدین ترتیب تعداد گویه‌ها پس از بررسی نظرات گروه هدف و اساتید صاحب‌نظر و بازبینی و حذف سؤالات با مفهوم مشترک یا نامناسب و نامفهوم، از ۲۳ گویه به ۱۴ گویه کاهش یافت که پرسشنامه تحقیق را تشکیل می‌داد. جهت بررسی پایایی ابزار پژوهش، تعداد ۳۰ پرسشنامه در اختیار جوانان روستایی قرار گرفت. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، مقدار آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۸ محاسبه شد که برابر با ۰/۸۳ به دست آمد و این مقدار، نشان‌دهنده‌ی پایایی مناسب ابزار برای ادامه‌ی پژوهش بود.

در این پژوهش، به‌منظور بررسی رابطه‌ی میان عوامل جمعیت‌شناختی و میزان مشارکت سیاسی، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) استفاده شد. سطح معناداری آزمون‌ها در حد $p \leq 0/05$ در نظر گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۸ انجام گرفت. پیش از انجام تحلیل‌های نهایی، داده‌ها از نظر ناهنجاری‌ها مورد غربالگری قرار گرفتند و داده‌های پرت تک‌متغیره با استفاده از نمودار جعبه‌ای شناسایی و اصلاح شدند. بررسی نرمال بودن متغیر «مشارکت سیاسی» نشان داد که مقدار کجی (۰/۰۰۹) و کشیدگی (۱/۰۶-) در دامنه‌ی مجاز ± 2 قرار دارند؛ بنابراین، توزیع متغیر نرمال بوده و استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس توجیه‌پذیر تشخیص داده شد.

نتایج و بحث

آمار توصیفی و همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است. شاخص‌های فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی نیز در جداول ۱ و ۲ گزارش شده‌اند. دامنه نمرات متغیر مشارکت سیاسی - که از ترکیب ۱۹ سؤال تشکیل شده است - از حداقل صفر (به معنای عدم مشارکت) تا حداکثر ۱ (به معنای مشارکت کامل) متغیر بود. میانگین کل مشارکت سیاسی در نمونه پژوهش برابر با ۰/۴۷ (یا ۴۷ درصد) به دست آمد که نشان‌دهنده سطح متوسط مشارکت سیاسی در میان پاسخگویان است. انحراف معیار این متغیر ۰/۲۵ و حداقل نمره به دست آمده برابر با ۰ و حداکثر نمره ۰/۹۲ بود. در جدول ۱، تفاوت میزان مشارکت سیاسی بر اساس ویژگی‌های

جمعیت شناختی مرتبط با خود پاسخگو (جنسیت، سن، تحصیلات، محل تولد، محل اخذ دیپلم، دانشجو بودن و شغل) بررسی شده است. در جدول ۲ نیز تفاوت مشارکت سیاسی بر اساس ویژگی‌های جمعیت شناختی مرتبط با خانواده پاسخگو (تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، شغل مادر، درآمد خانواده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی) مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲- بررسی تفاوت مشارکت سیاسی بر اساس ویژگی‌های جمعیت شناختی (مرتبط با خود پاسخگو) با استفاده از آزمون تحلیل واریانس (n= ۲۴۱)

متغیر	طبقه	تعداد	درصد	میانگین	انحراف	مقدار F	مقدار p	اندازه																																																																																																																			
جنسیت	مرد	۱۵۳	۶۳/۵	۰/۴۸	۰/۲۳	۰/۳۴	۰/۵۶۰	۰/۰۰۱																																																																																																																			
	زن	۸۸	۳۶/۵	۰/۴۶	۰/۲۹				سن	۲۲ تا ۲۵ سال	۲۴	۱۰	۰/۵۱	۰/۱۳	۲/۹۵	۰/۰۵۴	۰/۰۲۴	۲۶ تا ۲۹ سال	۲۴	۱۰	۰/۳۶	۰/۱۶	۳۰ تا ۳۵ سال	۱۹۳	۸۰/۱	۰/۴۸	۰/۲۷	سطح تحصیلات	دیپلستان	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۸	۰/۲۰	۳۴/۹۱	<۰/۰۰۱	۰/۳۷۲	دیپلم	۸۱	۳۳/۶	۰/۲۹	۰/۲۱	فوق دیپلم	۱۶	۶/۶	۰/۵۴	۰/۱۶	لیسانس	۶۴	۲۶/۶	۰/۶۳	۰/۲۱	فوق لیسانس	۱۶	۶/۶	۰/۵۷	۰/۱۲	محل تولد	روستا	۱۷۷	۷۳/۴	۰/۴۸	۰/۲۵	۱/۳۷	۰/۲۴۳	۰/۰۰۶	شهر	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۴	۰/۲۴	محل اخذ دیپلم	روستا	۱۷۷	۷۳/۴	۰/۴۸	۰/۲۶	۰/۶۶	۰/۴۱۷	۰/۰۰۳	شهر	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۵	۰/۲۵	دانشجو بودن	خیر	۱۸۹	۷۸/۴	۰/۴۳	۰/۲۶	۱۸/۶۸	<۰/۰۰۱	۰/۰۷۵	بله	۵۲	۲۱/۶	۰/۶۰	۰/۲۰	شغل	کشاورزی	۸۰	۳۳/۲	۰/۴۲	۰/۲۵	۲۰/۷۸	<۰/۰۰۱	۰/۲۶۰	کارمند	۴۸	۱۹/۹	۰/۷۱	۰/۲۱	معلم	۳۲	۱۳/۳	۰/۴۶	۰/۰۶	بیکار	۱۶	۶/۶	۰/۵۸	۰/۲۰	سایر
سن	۲۲ تا ۲۵ سال	۲۴	۱۰	۰/۵۱	۰/۱۳	۲/۹۵	۰/۰۵۴	۰/۰۲۴																																																																																																																			
	۲۶ تا ۲۹ سال	۲۴	۱۰	۰/۳۶	۰/۱۶																																																																																																																						
	۳۰ تا ۳۵ سال	۱۹۳	۸۰/۱	۰/۴۸	۰/۲۷				سطح تحصیلات	دیپلستان	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۸	۰/۲۰	۳۴/۹۱	<۰/۰۰۱	۰/۳۷۲	دیپلم	۸۱	۳۳/۶	۰/۲۹	۰/۲۱	فوق دیپلم	۱۶	۶/۶	۰/۵۴	۰/۱۶		لیسانس	۶۴	۲۶/۶	۰/۶۳	۰/۲۱				فوق لیسانس	۱۶	۶/۶	۰/۵۷	۰/۱۲	محل تولد	روستا	۱۷۷	۷۳/۴	۰/۴۸	۰/۲۵	۱/۳۷	۰/۲۴۳	۰/۰۰۶	شهر	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۴	۰/۲۴	محل اخذ دیپلم	روستا	۱۷۷	۷۳/۴	۰/۴۸	۰/۲۶	۰/۶۶	۰/۴۱۷	۰/۰۰۳	شهر	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۵	۰/۲۵	دانشجو بودن	خیر	۱۸۹	۷۸/۴	۰/۴۳	۰/۲۶	۱۸/۶۸	<۰/۰۰۱	۰/۰۷۵	بله	۵۲	۲۱/۶	۰/۶۰	۰/۲۰	شغل	کشاورزی	۸۰	۳۳/۲	۰/۴۲	۰/۲۵	۲۰/۷۸	<۰/۰۰۱	۰/۲۶۰	کارمند	۴۸	۱۹/۹	۰/۷۱	۰/۲۱	معلم		۳۲	۱۳/۳	۰/۴۶	۰/۰۶	بیکار				۱۶	۶/۶	۰/۵۸	۰/۲۰	سایر	۶۵	۲۷	۰/۳۵	۰/۲۳							
سطح تحصیلات	دیپلستان	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۸	۰/۲۰	۳۴/۹۱	<۰/۰۰۱	۰/۳۷۲																																																																																																																			
	دیپلم	۸۱	۳۳/۶	۰/۲۹	۰/۲۱																																																																																																																						
	فوق دیپلم	۱۶	۶/۶	۰/۵۴	۰/۱۶																																																																																																																						
	لیسانس	۶۴	۲۶/۶	۰/۶۳	۰/۲۱																																																																																																																						
	فوق لیسانس	۱۶	۶/۶	۰/۵۷	۰/۱۲																																																																																																																						
محل تولد	روستا	۱۷۷	۷۳/۴	۰/۴۸	۰/۲۵	۱/۳۷	۰/۲۴۳	۰/۰۰۶																																																																																																																			
	شهر	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۴	۰/۲۴				محل اخذ دیپلم	روستا	۱۷۷	۷۳/۴	۰/۴۸	۰/۲۶	۰/۶۶	۰/۴۱۷	۰/۰۰۳	شهر	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۵	۰/۲۵	دانشجو بودن	خیر	۱۸۹	۷۸/۴	۰/۴۳	۰/۲۶	۱۸/۶۸	<۰/۰۰۱	۰/۰۷۵	بله	۵۲	۲۱/۶	۰/۶۰	۰/۲۰	شغل	کشاورزی	۸۰	۳۳/۲	۰/۴۲	۰/۲۵	۲۰/۷۸	<۰/۰۰۱	۰/۲۶۰	کارمند	۴۸	۱۹/۹	۰/۷۱	۰/۲۱	معلم	۳۲	۱۳/۳	۰/۴۶	۰/۰۶	بیکار	۱۶	۶/۶	۰/۵۸	۰/۲۰	سایر	۶۵	۲۷	۰/۳۵	۰/۲۳																																																										
محل اخذ دیپلم	روستا	۱۷۷	۷۳/۴	۰/۴۸	۰/۲۶	۰/۶۶	۰/۴۱۷	۰/۰۰۳																																																																																																																			
	شهر	۶۴	۲۶/۶	۰/۴۵	۰/۲۵				دانشجو بودن	خیر	۱۸۹	۷۸/۴	۰/۴۳	۰/۲۶	۱۸/۶۸	<۰/۰۰۱	۰/۰۷۵	بله	۵۲	۲۱/۶	۰/۶۰	۰/۲۰	شغل	کشاورزی	۸۰	۳۳/۲	۰/۴۲	۰/۲۵	۲۰/۷۸	<۰/۰۰۱	۰/۲۶۰	کارمند	۴۸	۱۹/۹	۰/۷۱	۰/۲۱		معلم	۳۲	۱۳/۳	۰/۴۶	۰/۰۶				بیکار	۱۶	۶/۶	۰/۵۸	۰/۲۰	سایر	۶۵	۲۷	۰/۳۵	۰/۲۳																																																																				
دانشجو بودن	خیر	۱۸۹	۷۸/۴	۰/۴۳	۰/۲۶	۱۸/۶۸	<۰/۰۰۱	۰/۰۷۵																																																																																																																			
	بله	۵۲	۲۱/۶	۰/۶۰	۰/۲۰				شغل	کشاورزی	۸۰	۳۳/۲	۰/۴۲	۰/۲۵	۲۰/۷۸	<۰/۰۰۱	۰/۲۶۰	کارمند	۴۸	۱۹/۹	۰/۷۱	۰/۲۱		معلم	۳۲	۱۳/۳	۰/۴۶	۰/۰۶				بیکار	۱۶	۶/۶	۰/۵۸	۰/۲۰		سایر	۶۵	۲۷	۰/۳۵	۰/۲۳																																																																																	
شغل	کشاورزی	۸۰	۳۳/۲	۰/۴۲	۰/۲۵	۲۰/۷۸	<۰/۰۰۱	۰/۲۶۰																																																																																																																			
	کارمند	۴۸	۱۹/۹	۰/۷۱	۰/۲۱																																																																																																																						
	معلم	۳۲	۱۳/۳	۰/۴۶	۰/۰۶																																																																																																																						
	بیکار	۱۶	۶/۶	۰/۵۸	۰/۲۰																																																																																																																						
	سایر	۶۵	۲۷	۰/۳۵	۰/۲۳																																																																																																																						

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۲ نشان داد که بین سطح تحصیلات، دانشجو بودن و شغل پاسخگویان با میزان مشارکت سیاسی آنان تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/05$). مطابق یافته‌ها، به‌طور کلی رابطه‌ای مثبت بین میزان تحصیلات و مشارکت سیاسی مشاهده شد؛ به‌گونه‌ای که افراد دارای تحصیلات دانشگاهی

در مقایسه با افراد دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر، از مشارکت سیاسی بیشتری برخوردار بودند. بالاترین میانگین مشارکت سیاسی مربوط به افراد دارای تحصیلات لیسانس با مقدار ۰/۶۳ و کمترین میزان مشارکت مربوط به افراد دارای تحصیلات دیپلم با مقدار ۰/۲۹ بود. همچنین نتایج نشان داد دانشجویان تأثیر مثبتی بر مشارکت سیاسی دارد ($p < 0/05$). میزان مشارکت سیاسی در نمونه دانشجویان برابر با ۰/۶۰ و در نمونه غیردانشجویان برابر با ۰/۴۳ بود که بیانگر نقش مثبت دانشجویان در افزایش مشارکت سیاسی است. علاوه بر این، بین شغل افراد و میزان مشارکت سیاسی آنان نیز تفاوت معناداری مشاهده شد ($p < 0/05$). یافته‌ها نشان داد بالاترین میزان مشارکت سیاسی مربوط به شغل کارمند با مقدار ۰/۷۱ و افراد بیکار با مقدار ۰/۵۸ بود، در حالی که کمترین میزان مشارکت سیاسی به گروه سایر مشاغل با میانگین ۰/۳۵ و شغل کشاورزی با میانگین ۰/۴۲ اختصاص داشت. برای بررسی شدت اثر روابط، از شاخص اندازه اثر مجذور جزئی اتا استفاده شد. بر اساس تفسیر این شاخص، مقدار ۰/۰۱ نشان‌دهنده شدت اثر کوچک، مقدار ۰/۰۶ نشان‌دهنده شدت اثر متوسط و مقدار ۰/۱۴ نشان‌دهنده شدت اثر بزرگ است (Pallant, 2010). نتایج مجذور جزئی اتا نشان داد قوی‌ترین تفاوت در مشارکت سیاسی به ترتیب مربوط به سطح تحصیلات با ضریب ۰/۳۷۲، شغل با ضریب ۰/۲۶۰ و دانشجویان بودن با ضریب ۰/۰۷۵ بود. در جدول ۲، تفاوت مشارکت سیاسی بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مرتبط با خانواده پاسخگو مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۳- بررسی تفاوت مشارکت سیاسی بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (مرتبط با خانواده پاسخگو) با استفاده از آزمون تحلیل واریانس

متغیر	طبقه	تعداد	درصد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار F	مقدار p	اندازه اثر
تحصیلات پدر	بی سواد	۱۲۹	۵۳/۵	۰/۴۱	۰/۲۵	۱۱/۴۸	<۰/۰۰۱	۰/۰۸۸
	دبیرستان	۷۲	۲۹/۹	۰/۵۲	۰/۲۵			
	دیپلم و	۴۰	۱۶/۶	۰/۶۰	۰/۱۹			
تحصیلات مادر	بی سواد	۱۶۱	۶۶/۸	۰/۳۹	۰/۲۴	۳۲/۸۴	<۰/۰۰۱	۰/۲۱۶
	دبیرستان	۵۶	۲۳/۲	۰/۶۶	۰/۱۵			
	دیپلم و	۲۴	۱۰	۰/۵۹	۰/۲۴			
شغل پدر	کشاورزی	۲۰۹	۸۶/۷	۰/۴۷	۰/۲۶	۰/۰۴	۰/۹۵۷	۰/۰۰۱
	سایر مشاغل	۲۴	۱۰	۰/۴۹	۰/۲۱			
	کارمند یا معلم	۸	۳/۳	۰/۴۶	۰/۱۶			
شغل مادر	خانه‌دار	۴۸	۱۹/۹	۰/۴۰	۰/۲۵	۳/۴۸	۰/۰۳۲	۰/۰۲۸
	کشاورزی	۱۷۷	۷۳/۴	۰/۵۰	۰/۲۶			
	کارمند یا معلم	۱۶	۶/۶	۰/۴۲	۰/۱۵			
درآمد خانواده	کمتر از ۱۰	۹۶	۳۹/۸	۰/۴۸	۰/۲۵	۰/۴۰	۰/۶۷۳	۰/۰۰۳
	۱۰ تا ۱۵	۸۰	۳۳/۲	۰/۴۵	۰/۲۸			
	بیشتر از ۱۵	۶۵	۲۷	۰/۴۹	۰/۲۲			
پایگاه اقتصادی اجتماعی	پایین	۱۲۸	۵۳/۱	۰/۳۹	۰/۲۶	۱۷/۹۱	<۰/۰۰۱	۰/۱۳۱
	متوسط	۷۳	۳۰/۳	۰/۵۵	۰/۲۲			
	بالا	۴۰	۱۶/۶	۰/۶۰	۰/۱۹			

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۳ نشان داد که بین تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل مادر و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با میزان مشارکت سیاسی افراد تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0.05$). مطابق یافته‌ها، به‌طور کلی افزایش سطح تحصیلات پدر و مادر با افزایش میزان مشارکت سیاسی همراه بود. میزان مشارکت سیاسی در افرادی که پدر یا مادر آنان بی‌سواد بودند، کمتر از سایر افراد گزارش شد. همچنین میزان مشارکت سیاسی در افرادی که مادر آنان شاغل (کشاورز) بود، بالاتر از افرادی بود که مادرشان خانه‌دار

بود؛ این امر بیانگر نقش مثبت اشتغال مادر در افزایش مشارکت سیاسی افراد است. متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی که از مجموع نمرات مربوط به تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و مادر و درآمد خانواده تشکیل شده است، نیز با میزان مشارکت سیاسی تفاوت معناداری نشان داد ($p < 0.05$). به طوری که کمترین میزان مشارکت سیاسی با مقدار ۰/۳۹ مربوط به پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین و بیشترین میزان مشارکت سیاسی با مقدار ۰/۶۰ مربوط به پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر مشارکت سیاسی جوانان روستایی شرق استان گیلان انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه‌ای مثبت وجود دارد. در تبیین این موضوع می‌توان از نظریه اثربخشی سیاسی رابرت دال بهره گرفت؛ بر اساس این نظریه، اثربخشی سیاسی نگرشی است که طی آن فرد احساس می‌کند مشارکت سیاسی او بر فرایندهای سیاسی اثر گذاشته و امکان کنترل بر آن‌ها را فراهم می‌سازد (Jafarnia, 2012). زمانی که افراد یک جامعه احساس کنند در رسیدن به اهداف خود مؤثرند، در چنین فعالیتهایی مشارکت می‌کنند؛ اما هنگامی که تصور کنند مشارکت سیاسی آنان تأثیری بر اوضاع جامعه و زندگی‌شان ندارد، از این فعالیت‌ها کناره‌گیری می‌کنند (Ghaderzadeh, 2019). بنابراین اگر افراد در ارزیابی خود دریابند که پاداش حاصل از درگیری‌های سیاسی نسبت به سایر فعالیت‌ها ناچیز است، به طور طبیعی کمتر در سیاست مشارکت خواهند کرد. حال اگر در نظر بگیریم افرادی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری برخوردارند، این موقعیت را مدیون نظام سیاسی - اقتصادی حاکم می‌دانند، می‌توان انتظار داشت که برای تداوم این نظام، مشارکت سازنده‌تری داشته باشند. همچنین طبق نظریه مشروعیت ماکس وبر، نظام‌های سیاسی و اقتصادی برای بقا نیازمند مشروعیت هستند و کسانی که در این نظام‌ها در موقعیت ممتازی قرار دارند، معمولاً آن را مشروع و موجه جلوه می‌دهند (Weber, 2015). یکی از روش‌های مشروعیت‌بخشی به نظام حاکم نیز مشارکت سیاسی سازنده است. از این رو می‌توان گفت افرادی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالایی برخوردارند، با مشارکت سیاسی خود به تقویت نظام سیاسی کمک می‌کنند و بنابراین یافته تحقیق دور از انتظار نیست. نظریه دیگری که می‌توان برای پشتیبانی از یافته تحقیق به آن استناد کرد، نظریه سیستم جان جاست (Jost, 1994) یا نظریه «توجیه نظام» است. طبق این نظریه، افراد (حتی گاه فرودستان) تمایل دارند نظام اجتماعی - اقتصادی حاکم را موجه بدانند؛ اما این گرایش در طبقات بالا شدیدتر است، زیرا آنان سود بیشتری از نظم موجود می‌برند. بنابراین در اینجا نیز می‌توان نتیجه گرفت که طبقات بالا با مشارکت خود به تداوم

و تقویت نظام حاکم کمک می‌کنند. در نهایت، نظریه سرمایه بورديو نیز قابل اشاره است. بورديو معتقد است افرادی که سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بیشتری دارند، این وضعیت را حاصل قواعد و ساختارهای نظام موجود می‌دانند و می‌کوشند آن را حفظ کنند؛ به عبارتی، آنان سرمایه خود را در دل همین نظم اجتماعی انباشت و بازتولید می‌کنند (Bourdieu, 2018). بر این اساس نیز طبقات بالا با مشارکت سیاسی خود به مشروعیت بخشی نظام سیاسی موجود کمک می‌کنند و از این منظر نیز یافته پژوهش تأیید می‌شود.

طبق یافته‌های تحقیق میان میزان تحصیلات و مشارکت سیاسی رابطه مثبتی وجود دارد. بر اساس نظریه نوسازی^۱ که دانشمندی چون ساموئل هانتینگتون، لیپست و لرنر آن را نمایندگی می‌کنند هرچه جوامع از نظر اقتصادی، فرهنگی و آموزشی توسعه یافته‌تر می‌شوند میزان تحصیلات در جامعه افزایش می‌یابد. این افزایش تحصیلات باعث رشد آگاهی سیاسی، علاقه‌مندی به مسائل سیاسی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان می‌شود. لیپست (Lipset, 1959) می‌نویسد: مردم تحصیل کرده‌تر، بیشتر به فرآیندهای سیاسی علاقه‌مندند و مشارکت فعال‌تری دارند طبق این نظریه «افزایش دانش و آگاهی سیاسی، رشد احساس مسئولیت اجتماعی و مدنی، بهبود مهارت‌های ارتباطی و تحلیل مسائل سیاسی و افزایش فرصت‌های دسترسی به رسانه‌ها و منابع اطلاعاتی» باعث می‌شود تحصیلات مشارکت سیاسی را افزایش دهد. همچنین بر اساس نظریه بسیج منابع^۲ تحصیلات یکی از منابع فردی است که به مشارکت سیاسی کمک می‌کند (McCarthy, 1977). همچنین بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی^۳ پاتنام (Putnam, 2000) تحصیلات بالاتر باعث ایجاد شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های داوطلبانه می‌شود که مشارکت سیاسی را تسهیل می‌کند. بر اساس مطالب گفته شده، یافته‌های تحقیق دور از انتظار نبودند.

رابطه مثبت میان دانشجوی بودن و مشارکت سیاسی را می‌توان با نظریه بسیج سیاسی^۴، نظریه منابع مشارکت^۵ و نظریه نسل جدید^۶ و جنبش دانشجویی تبیین کرد. بر اساس نظریه بسیج سیاسی دانشجویان به دلیل حضور در محیط‌های دانشگاهی و ارتباط با منابع اطلاعاتی و تشکل‌های سیاسی، بیشتر در معرض بسیج سیاسی قرار دارند. دانشگاه‌ها مکان‌های مؤثری برای افزایش آگاهی سیاسی،

1. Modernization Theory
2. Resource Mobilization Theory
3. Social Capital Theory
4. Political Mobilization Theory
5. Civic Voluntarism Model
6. New Generation Theory

شکل‌گیری هویت سیاسی و فرصت‌های مشارکت هستند. بر اساس نظریه منابع مشارکت سه عامل اصلی در مشارکت سیاسی مطرح است: ۱. منابع فردی (مثل تحصیلات، زمان آزاد، درآمد) ۲. انگیزه‌ها ۳. شبکه‌ها و فرصت‌ها. طبق این نظریه دانشجوی بودن همزمان هر سه را افزایش می‌دهد. تحصیلات دانشگاهی باعث افزایش آگاهی و مهارت سیاسی، فضای دانشگاه باعث فرصت و شبکه و بالاخره روحیه جوانی و انگیزه‌مندی باعث گرایش به مشارکت می‌شوند (Verba, 1995). همچنین بر اساس نظریه نسل جدید، نسل جوان به‌ویژه دانشجویان به دلیل داشتن آرمان‌خواهی، جستجوی هویت و حساسیت به مسائل اجتماعی-سیاسی، مشارکت سیاسی بیشتری دارند. این نظریه در مطالعات دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی در غرب و بعدتر در کشورهای در حال توسعه به ویژه درباره جنبش‌های دانشجویی مطرح شده است (Altbach, 1989). بنابراین یافته‌های تحقیق با این نظریات همسو می‌باشد.

بر اساس یافته‌های تحقیق میان نوع شغل و مشارکت سیاسی رابطه مستقیم وجود دارد. برای رابطه مثبت نوع شغل و مشارکت سیاسی می‌توان به سه نظریه معتبر استناد کرد. نظریه منابع مشارکت یا مدل داوطلبی مدنی (Verba, 1995)، نظریه منزلت اجتماعی (Weber, 2015) و نظریه نوسازی (Lipset, 1959) در مدل داوطلبی منابع، نوع شغل یکی از منابع مشارکت در نظر گرفته می‌شود. شغل‌های تخصصی‌تر، مدیریتی، و وابسته به بخش عمومی معمولاً میزان بیشتری از مشارکت سیاسی دارند، چون دسترسی به اطلاعات سیاسی بیشتر است فرصت‌های ارتباطی و شبکه‌ای وسیع‌تری دارند اعتماد به نفس و احساس تأثیرگذاری بیشتری در سیاست دارند. بر اساس این مدل شغل کارمندی (به‌ویژه در مشاغل دولتی، آموزشی، اداری و حرفه‌ای) به عنوان یک منبع مشارکت عمل می‌کند. چون افراد در این مشاغل به اطلاعات سیاسی و اجتماعی بیشتری دسترسی دارند زمان و فرصت بیشتری برای مشارکت دارند و شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی مؤثرتری دارند و معمولاً احساس اثربخشی سیاسی بیشتری دارند. همچنین در این مدل بیکاری به معنای نداشتن منابع لازم برای مشارکت است: منابع اقتصادی (درآمد) برای کمک مالی، هزینه جابه‌جایی، دسترسی به رسانه‌ها، همچنین منابع اجتماعی و شبکه‌های بسیج‌کارمندان و شاغلان بیشتر در معرض شبکه‌ها و دعوت‌های سیاسی‌اند و درباره احساس اثربخشی سیاسی بیکاران باید گفت بیکاران معمولاً حس می‌کنند صدایشان شنیده نمی‌شود بنابراین مشارکت سیاسی افراد بیکار در مقایسه با شاغلان کمتر است. نظریه منزلت اجتماعی^۱ ریشه در آثار ماکس وبر دارد. بر اساس این نظریه موقعیت شغلی (و اقتصادی) بالاتر، جایگاه اجتماعی بیشتری فراهم می‌کند و باعث افزایش حس تعلق و مسئولیت‌پذیری سیاسی می‌شود و مشارکت سیاسی را

1. Social Status Theory

تقویت می‌کند. شغل‌های رسمی و دفتری (مثل کارمندان) به دلیل داشتن منزلت اجتماعی بالاتر، امنیت شغلی و ارتباط سازمانی گسترده‌تر، تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی دارند چون این افراد بیشتر در فرآیندهای نهادی و تصمیم‌گیری درگیر می‌شوند و احساس تعلق سیاسی بیشتری دارند. در نظریه نوسازی نیز لیپست معتقد است شغل‌های مدرن‌تر و تخصصی‌تر (در جوامع مدرن) باعث افزایش تحصیلات، آگاهی و مشارکت سیاسی می‌شوند و هرچه شغل فرد مستلزم مهارت، دانش و ارتباطات بیشتری باشد، احتمال مشارکتش در سیاست هم بالاتر می‌رود. در چارچوب این نظریه هرچه افراد در مشاغل مدرن‌تر و تخصصی‌تر (مثل کارمندی) قرار بگیرند، سطح تحصیلات، آگاهی و ارتباطات اجتماعی‌شان بالاتر می‌رود و به تبع آن مشارکت سیاسی‌شان هم افزایش پیدا می‌کند. بر اساس نظریه نوسازی در جوامع در حال گذار، شاغل بودن افراد در مشاغل مدرن و ساختارمند، سطح آگاهی، ارتباطات و اعتماد به نفس سیاسی را بالا می‌برد. در مقابل، بیکاری و فقدان موقعیت شغلی منظم باعث انزوای اجتماعی و ضعف مشارکت سیاسی می‌شود. بر اساس نظریه محرومیت نسبی^۱ بیکاری می‌تواند در دو حالت عمل کند؛ در اغلب موارد باعث کاهش مشارکت سیاسی رسمی (انتخابات، راهپیمایی مجاز، نامه‌نگاری و...) می‌شود چون فرد بیکار احساس انزوا، ناتوانی و بی‌اثری می‌کند اما در مواقعی هم (در قالب اعتراضات، شورش‌ها و نافرمانی‌های سیاسی) افزایش می‌یابد پس در مشارکت سیاسی نهادی و متعارف، بیکاری مشارکت را کاهش می‌دهد. بنابراین درباره رابطه نوع شغل و بیکاری با مشارکت سیاسی، یافته تحقیق حاضر در راستای این نظریه‌های گفته شده می‌باشد و قابل انتظار بوده است.

در مورد رابطه مستقیم و مثبت تحصیلات پدر و مادر با مشارکت سیاسی می‌توان از نظریه‌های انتقال اجتماعی^۲، منابع مشارکت و سرمایه فرهنگی^۳ نام برد. بر اساس نظریه انتقال اجتماعی (Jennings, 1974) خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی شدن سیاسی، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای سیاسی را به فرزندان منتقل می‌کند. والدین با تحصیلات بالاتر خود مشارکت بیشتری در سیاست دارند، در منزل بیشتر درباره سیاست گفت‌وگو می‌کنند و منابع شناختی و فرهنگی بیشتری در اختیار فرزندان قرار می‌دهند و بدین طریق فرصت و تشویق بیشتری برای مشارکت فرزندان در فعالیت‌های سیاسی فراهم می‌کنند. بر اساس مدل منابع مشارکت، منابع خانوادگی (از جمله تحصیلات والدین) به عنوان یکی از منابع مهم برای مشارکت سیاسی فرزندان محسوب می‌شود و تحصیلات بالاتر والدین باعث بالابردن سطح فرهنگی و سرمایه اجتماعی خانواده، بیشتر کردن

1. Relative Deprivation Theory
2. Social Transmission Theory
3. Cultural Capital Theory

شبکه‌های ارتباطی و فرصت‌های تعامل سیاسی و تقویت آگاهی و تمایل فرزندان به مشارکت می‌گردد. بر اساس نظریه سرمایه فرهنگی که بوردیو (Bourdieu, 1986) آن را نمایندگی می‌کند خانواده‌های با سرمایه فرهنگی بالاتر (که تحصیلات والدین هم یکی از مؤلفه‌های آن است)، فرزندان‌شان را مجهز به مهارت‌ها، دانش و نگرش‌هایی می‌کنند که مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد این سرمایه فرهنگی از طریق رفتار، گفت‌وگو، و دسترسی به منابع فرهنگی و آموزشی منتقل می‌شود. یافته پژوهش نیز در راستای نظریه‌های گفته شده می‌باشد.

در تحقیق بین جنسیت و مشارکت سیاسی جوانان روستایی رابطه‌ی معناداری دیده نشد که هم‌راستا با نتیجه تحقیق منگانلی و همکاران (Manganelli et al, 2014) است که نشان داد از نظر رأی دادن در انتخابات تفاوت معنی‌داری بین دختران و پسران وجود ندارد. این نتایج را می‌توان چنین تبیین کرد که در شرایط اجتماعی معاصر، فرصت‌ها و کانال‌های مشارکت سیاسی برای دختران و پسران به‌طور نسبی همسان‌تر از گذشته فراهم شده است. حضور هر دو جنسیت در دانشگاه‌ها، دسترسی گسترده به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و همچنین گسترش آگاهی‌های سیاسی، موجب شده است که جنسیت به‌تنهایی نتواند تعیین‌کننده میزان مشارکت سیاسی باشد. در واقع، آنچه بیش از جنسیت بر رفتار سیاسی اثر می‌گذارد، عوامل دیگری مانند پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده، سطح تحصیلات، و میزان دسترسی به منابع اطلاعاتی و ارتباطی است. بنابراین، گرفت که الگوی مشارکت سیاسی جوانان بیش از تمایزات جنسیتی، بازتاب تغییرات فرهنگی، آموزشی و ارتباطی در جامعه امروز است.

همچنین نتایج تحقیق بیان‌گر این است که بین شغل پدر و مشارکت سیاسی جوانان روستایی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این نتیجه را می‌توان چنین تبیین کرد که در شرایط اجتماعی امروز، منابع جامعه‌پذیری سیاسی جوانان تنها به خانواده و موقعیت شغلی پدر محدود نمی‌شود؛ بلکه آموزش رسمی، دانشگاه، رسانه‌های جمعی، شبکه‌های اجتماعی و گروه همسالان نقش مؤثرتری در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، گرچه در گذشته پایگاه شغلی و منزلتی پدران می‌توانست بر سرمایه اجتماعی و سیاسی فرزندان اثرگذار باشد، اما تحولات فرهنگی و ارتباطی موجب شده است که استقلال رأی و کنش سیاسی جوانان افزایش یابد و اثرگذاری شغل پدر در این زمینه کاهش پیدا کند. بنابراین، می‌توان گفت جامعه‌پذیری سیاسی نسل جدید بیش از آنکه از وضعیت شغلی پدر تأثیر پذیرد، تحت نفوذ نهادهای آموزشی و ارتباطی نوین قرار دارد.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، می‌توان پیشنهادهای زیر را جهت افزایش میزان مشارکت سیاسی جوانان روستایی ارائه داد:

- تقویت صدا و سیمای استانی با تولید برنامه‌هایی با تأکید بر نقش مهم جوانان روستایی در توسعه روستا.
- دعوت دهیار، امام جماعت محل، رییس پاسگاه از خانواده‌های با تحصیلات بالا در برخی از مراسمات روستا.
- دعوت از جوانان نخبه روستایی از جمله دانشجویان موفق، برای سخنرانی در نماز جماعت روستا با هدف آگاه‌سازی جوانان نسبت به مسائل سیاسی.
- تشکیل نشست‌های غیر رسمی جوانان روستایی با خانواده‌هایی که از پایگاه اقتصادی اجتماعی بالایی برخوردارند با حمایت دهیاری‌ها یا شوراها.
- اعطای بورسیه‌ها و حمایت‌های تحصیلی به فرزندان خانواده‌های روستایی با هدف ارتقای سطح تحصیلات و تقویت مشارکت سیاسی در نسل جوان.
- حمایت از برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی- اجتماعی خانواده‌های روستایی از طریق وام‌های خرد، توسعه تعاونی‌ها و حمایت از تولیدات محلی برای تقویت پایگاه اقتصادی و افزایش تمایل به مشارکت سیاسی.

منابع

1. Abbasi, K.H., & Hashemi, A. (2019). An Investigation of the Level of Political Participation and the Social, Economic, and Cultural Factors Influencing It (Case Study: Undergradnnuate Students of Islamic Azad University, Shushtar Branch, in the Year 2018). *Scientific-Research Quarterly Journal of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch*, 2(13), 284-300. [In Persian]
2. Adewale, O. C., Adebogun, O. B., Onyejelem, T. E., Gankon, J. A., & Ridwan, M. (2025). Gender, Political participation and democratic governance in rural Nigerian communities. *SIASAT*, 10(1), 55-70. DOI: <https://doi.org/10.33258/siasat.v10i1.194>.
3. Ahmadi, H. (2011). *Political Sociology of Islamic Movements*. Tehran: Imam Sadegh Publications. [In Persian]
4. Akhter, Z., & Sheikh, Y. A. (2014). Determinants of voting behaviour in India: Theoretical perspective. *Public Policy and Administration Research*, 4(8), 104-108 .

5. Azimi Amoli, J., & Rokneddin Eftekhari, A. (2014). Rural Governance (Sustainable Development Management), Tehran: Samt publications. [In Persian]
6. Azkia, M. (2014). Sociology of Development and Underdevelopment, Tehran: Ettelaat Publications. [In Persian]
7. Altbach, P. G. (1989). Student Political Activism: An International Reference Handbook: Greenwood Press.
8. Anouar, L. M. (2014). On-line political participation: Fractures and inequality between the citizens. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 163, 257-263.
9. Bashiriyeh, H. (2009). Obstacles to Political Development in Iran. Tehran: Gam_e_no publications. [In Persian]
10. Bourdieu, P. (2018). Distinction : a social critique of the judgement of taste (Translation by Hassan Chavoshian, 1997), Tehran: Agah Publications. [In Persian]
11. Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital. In Richardson, J. G. (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*: Greenwood.
12. Broadwell, W. (2006). Political participation. Georgia perimeter college rockdale: newton campus.
13. Delavary, A. (2017). Classic Patterns of Political Development: A study of Western Europe. *Social development & welfare planning*, 22(7), 79-102. [In Persian]
14. Elmi, M. (2016). Gender, Political awareness, and political participation of university students, *Journal of Woman & Study of Family*, 1(1), 153-176. [In Persian]
15. Ghaderzadeh, O., Sharifi, F., & Hasankhani, E. (2019). Political participation and the related factors; a survey study of students at university of Kurdistan, *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 7(4), 93-129. [In Persian]
16. Ghaderzade, D., Zahrabi, C.H., & Hoseini, M. (2022). A Social Explanation of Youth Political Participation, National Conference on Interdisciplinary Research in Humanities and Iranian-Islamic Culture. [In Persian]

17. Ghasemi, H., & Maali, F. (2015). The Obstacles of women's limited political participation in Iran. *Research Letter of Political Science*, 10(1), 124-156. [In Persian]
18. Ghalavandi, M. (2017). An Investigation of the Factors Influencing the Political Participation of Youth in Andimeshk County, Master Thesis of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran. [In Persian]
19. Gilan Governorate (2023). Gilan Provincial Development Plan. Rasht: Office of Planning and Development of Gilan Province. [In Persian]
20. Hashmi, A. (2006). School and Politics, Tehran: Office for Cultural Affairs Planning and Counseling, Ministry of Education. [In Persian]
21. Heydari Sareban, D. V. (2018). Effective factors in improving political participation from the viewpoint of villagers (Case study: Ardabil city). *Geography And Territorial Spatial Arrangement*, 8(26), 139-158. [In Persian]
22. Islamic Republic of Iran Vision 1404. (2003). Supreme Planning Council. Tehran: Office for Development Planning. [In Persian]
23. Jafari Kalarijani, S., Azin, A., & Mohammadi, A. (2020). The study of social and cultural factors affecting political participation among youth in Mazandaran province. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 46(12), 33-46. [In Persian]
24. Jafarina, G. (2012). a survey of socio-economic factors affecting the rate of khormoj residents political participation. *Journal of Research Letter of Political Science*, 7(2), 87-122. [In Persian]
25. Jahangiri, J., & Mohammadi, F.(2014). A comparative study of noorabad mamasani's young and middle-aged people's political participation and the related social factors. *Ferdowsi university of mashhad journal of sciences*, 11(23), 21-26. <https://doi.org/10.22067/jss.v11i1.16575>. [In Persian]
26. Jennings, M. K., & Niemi, R. G. (1974). The political character of adolescence: the influence of families and schools: Princeton University Press.
27. Jost, J. T., & Banaji, M. R. (1994). The role of stereotyping in system-justification and the production of false consciousness. *British journal of social psychology*, 33(1), 1-27.

28. Khoshfar, G.H., Bagheriyan, M., & Jandaghi, F. (2019). The relationship between social capital and political participation of citizens (Case study: Gorgan). *Tow Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 14(8), 27-52. Doi: 10.22084/CSR.2020.12339.1228. [In Persian]
29. Le, K., & Nguyen, M. (2021). Education and political engagement. *International Journal of Educational Development*, 85, 102441. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2021.102441>.
30. Lipset, S. M. (1959). Some social requisites of democracy: economic development and political legitimacy. *American Political Science Review*, 53(1), 69-105 .
31. Lipset, S.M. (2020). Political Man: The Social Bases of Politics (Translated by Fariborz Majidi), Tehran: Samt Publications. [In Persian]
32. Marx, K., & Engels, F. (2000). Feuerbach and The German Ideology (Translated by Bagher Parham and Ahmad Tadayyon), Tehran: Agah Publications.
33. McCarthy, J. D., & Zald, M. N. (1977). Resource mobilization and social movements: A partial theory. *American journal of sociology*, 82(6), 1212-1241.
34. McLean, L. (2008). Oxford Concise Dictionary of Politics (Translated by Hamid Ahmadi). Tehran: Mizan Legal Foundation.
35. Negintaji, R., & Keshavarz, H. (2016). An investigation of the social, individual, and cultural factors influencing youth political participation (Case Study: Nourabad Mamasani County). International Conference on Humanities, Psychology, and Social Sciences, Tehran. [In Persian]
36. Niazi, M., Hassanzadeh, Z., Mohammadzadeh, M., & Zolfaghari, A. (2019). Political participation: from theory to practice: Theories and strategies, Tehran: Naghd-e farhang publications. [In Persian]
37. Manganelli, S., Lucidi, F., & Alivernini, F. (2014). Adolescents' expected civic participation: The role of civic knowledge and efficacy beliefs. *Journal of adolescence*, 37(5), 632-641.
38. Norouzi, A. (2024). Analysis of factors affecting political participation in rural communities: A case study of Lenjan Township. *Spatial Planning*, 14(4), 81-102. [In Persian]

39. Pallant, J. (2010). SPSS. (Translation by Ali Reza Kakavand). Karaj: Sarafraz Publications. [In Persian]
40. Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*: Simon & Schuster.
41. Ramdhan, R. M. (2016, April). Political Participations of Rural Communities. In 1st UPI International Conference on Sociology Education (pp. 326-328). Atlantis Press.
42. Rush, M. (2012). *Politics and society: an introduction to political sociology*. (translator: Sabouri, M). Tehran: Samt press (Original work published: 1992). [In Persian]
43. Rush, M. (2014). *Politics and society: An introduction to political sociology*. Routledge.
44. Sadeghloo, T., Khoub, S.H, & Sahebi, S.H. (2020). Investigating the impact of gender inequality on the rural women participation (Case study: Golmakan and Radekan rural district of Chenaran Township). *Woman in development & Politics*, 18(1), 23-53. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.291192.1007738>.
45. Sakhamehr, M., & Sedaghatifard, M. (2015). Assessment of students' political awareness and its influencing factors with an emphasis on political participation. International Conference on Humanities, Psychology, and Social Sciences. [In Persian]
46. Sari, A. (2024). The Role of Public Participation in the Sustainable Political Development of Villages. The 2nd International Conference on Sociology, Social Sciences, and Education with a Future-Oriented Approach — Bushehr. [In Persian]
47. Shams-aldini, A., Etaat, J., & Shahrivar, H. (2013). The Role of political participation of rural settlers regarding provision of services in villages of Mamasani county. *Journal Space Economy & Rural Development*, 2(5), 87-100. [In Persian]
48. Taajobi, M., Afzali, A., & Nasiri, F. (2024). Factors affecting the level of political participation of Youth in Hamadan province. *Journal of Political Knowledge*, 20(39), 59-82. <https://doi.org/10.30497/pkn.2024.245038.3089>. [In Persian]

49. Theocharis, Y., & Deth, J. (2018). Political participation in a changing world conceptual and empirical challenges in the study of citizen engagement. (Translated by Behjatet Abbasi), Tehran: Jooyandeh Publications. [In Persian]
50. Verba, S., Schlozman, K. L., & Brady, H. E. (1995). Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics: Harvard University Press.
51. Vosoughi, M., & Hashemi, A. (2004). Villagers and their political participation in iran: a case study of three villages of booshehr. *Journal of Social Sciences*, 11(26), 109-140. [In Persian]
52. Weber, M. (2015). Economy and Society (Translated by Abbas Manoochehri, Mehrdad Torabinezhad & Mostafa Emadzadeh), Tehran: Samt publications. [In Persian]

